

سیاست های اخیر امپریالیزم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل

و آواره شدن ساکنان یهودی نوار غزه

نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی اسرائیل تا روز جمعه گذشته اکثریت قابل ملاحظه ای از ۸۵۰۰ سکنه یهودی نوار غزه و ساحل غربی را با زور از آن جا بیرون راندند. جریانات یهودی ارتدکس به این سیاست با اعتراض تمام، در مطبوعات بورژوازی از بی رحمی نیروهای مسلح فقانشان به آسمان رفت.

در مقام مقایسه، زمانی که نیروهای اشغالگر صهیونیستی ۳۰۰۰ تن از مردم فلسطینی را از آن منطقه به بیرون می انداختند تا یهودیان را در آن جا اسکان دهند، صدای اعتراض احدالناسی در این مطبوعات بلند نشد. نظامیان اسرائیلی نه تنها به ساکنان فلسطینی مهلت تخلیه نمی دادند که وقت و بی وقت و نیمه های شب به خانه های آن ها حمله کرده و آن ها را به ضرب و شتم و شلیک گلوله به تخلیه فوری وادرا کرده و بلافاصله با بلدوزر خانه هایشان را ویران می کردند. در پی تخلیه هم ساکنان فلسطینی از هیچ گونه امکاناتی برای بازسازی زندگی خود بهره مند نبوده و دولت اسرائیل کوچک ترین حقی را برای آنان قائل نمی شد.

اسرائیلی های اخراجی که معتقد هستند که آن منطقه از نظر تاریخی به یهودیان تعلق دارد، در حالی بر علیه این سیاست مقاومت کردند که دولت شارون همه گونه امکانات رفاهی و اسکان دولتی را برای آن ها فراهم آورده

و برای هر خانوار به طور متوسط مبلغ ۲۵۰ هزار دلار غرامت در نظر گرفته بود. از طرف دیگر، خیریه "جیمز وولفنزون"، رئیس سابق بانک جهانی و نماینده ی فعلی دولت جورج بوش در خاورمیانه، در آمریکا نیز برای همیاری این یهودیان، مبلغ ۱۴ میلیون دلار پول جمع آوری کرده است. همزمان شارون برای ۳۵۰۰ فلسطینی ای که در آن منطقه بر روی زمین های کشاورزی کار می کردند و در نتیجه ی این جابجایی شغل خود را از دست دادند، کوچک ترین غرامتی قائل نشده است.

ناگفته نماند که این تخلیه کوچک ترین کمکی به بهبودی وضع یک میلیون و ۳۰۰ هزار فلسطینی ساکن نوار غزه بخصوص ۶۰ درصد بیکار آن نخواهد کرد و این منطقه همواره تحت کنترل دولت اسرائیل باقی خواهد ماند و قوانین سخت اسرائیل در رفت و آمد فلسطینی ها اعمال خواهد گردید.

طرح تخلیه که بخشی از سیاست منزوی کردن کامل فلسطینی های چادرنشین ساکن این مناطق است، طبیعتاً برای اسرائیلی های متصعب هم گران تمام شده است. البته این اول و آخرین باری نبوده و نخواهد بود که یهودیان اسرائیل تجاوز به حقوق دموکرات خود را تجربه کرده و خواهند کرد و طبقه ی کارگر یهود اولین قشر از این جماعت بوده و هست که مورد این تهاجم قرار می گیرد. لذا درسی که از تحلیل سیاست های دولت صهیونیستی می توان گرفت، این است که در درازمدت این دولت صهیونیستی اسرائیل نیست که خواهان بهبود وضع زندگی طبقه ی کارگر یهود است. از ابتدا این سیاست همین دولت و امپریالیزم آمریکا بود که یهودیان را به امید یک زندگی بهتر بر روی جنازه فلسطینی های ساکن در آن منطقه اسکان داد و حالا برای کنترل و پیاده کردن فشار بیش تر بر فلسطینی های آن منطقه، مجبور است که یهودیان را از آن جا بیرون راند.

نکته ی اساسی در این است که برای کارگر فلسطینی فرقی نمی کند که در کنار کارگر اسرائیلی کار یا زندگی کند. برای کارگر یهودی هم وجود کارگران فلسطینی تهدید بشمار نمی رود. اتفاقاً این دو به خوبی و بدون هیچ گونه دشمنی و ترسی از همدیگر به خوبی توانسته اند در کنار هم کار و زندگی کنند (همان طوری که می دانیم فلسطینی ها برای گرفتن کار همیشه مجبور شده اند به مناطق اشغالی رفته و در کنار کارگران یهود کار پیدا کرده و کار کنند). فراتر این که این کارگران در طول زمان حتی با هم ارتباطات عاطفی و خانوادگی برقرار کرده و با هم ازدواج کرده و فرزندان دارند که از طرف یکی از والدین به یک ملیت و از طرف والد دیگر به ملیت دیگر تعلق دارند.

در نتیجه هرگونه ستم و فشار بیش تر بر کارگران فلسطینی، الزاماً مورد حمایت کارگران اسرائیلی نبوده و در آینده هم نخواهد بود. کارگران اسرائیلی به خوبی می توانند درک کنند که این فلسطینیان نیستند که دشمن آن ها می باشند، بلکه این نظام حاکم است که تحت تأثیر سیاست جهانی امپریالیزم همواره حلقه را به گردن آن ها تنگ تر و تنگ تر کرده و مسلماً در این راستا ستم بیش تری بر فلسطینیان روا داشته و باعث شورش آن ها می شود.

کارگران اسرائیلی که در کنار فلسطینیان کار و زندگی می کنند، به خوبی می دانند که فلسطینیان آن ها را دشمنان خود نمی دادند؛ در حقیقت جماعت یهود در فلسطین هم مانند سایر مناطق جهان می تواند، ساکن شود و مانند اقلیت های مذهبی کشورهای خاورمیانه و آفریقایی همه در کنار هم به زندگی خود ادامه دهند. مشکل نزدیک به صد سال اشغال نیروهای صهیونیستی در فلسطین، در ستم مضاعفی است که رژیم های صهیونیستی در مناطق اشغالی بر مردم فلسطین اعمال کرده اند. ضرب و شتم، کشتار، بیکاری، بی خانمانی، گرسنگی ای که برای کسب منافع هر چه بیش تر امپریالیزم در منطقه به

وسیله ی رژیم های صهیونیستی بر فلسطینی ها اعمال گشته، در واقع ربطی به کارگران یهود ندارد.

اما تغییرات فعلی تنها ابتدای کار است و طبقه ی زحمتکش و کارگر اسرائیل هم بزودی بیش از گذشته مورد تهاجم دولت صهیونیستی اسرائیل قرار خواهد گرفت و آن زمان است که لازم می آید به این تحلیل دست یابد که تنها راه نجاتش، اتحاد با طبقه ی کارگر فلسطین برای برچیدن دولت صهیونیستی از یک طرف و برچیدن قدرتمردان سازشکار فلسطینی از جهت دیگر است. این اتحاد بزرگ و تکان دهنده جهان می تواند، انقلابی را سازمان دهد که در آن کلیه ی عناصر وابسته به امپریالیزم چه از نوع اسرائیلی و چه از نوع فلسطینی آن، از ریشه نابود شده و برچیده گردند و به جای آن یک دولت کارگری با برنامه ی اقتصادی انقلابی که به وسیله ی طبقه ی کارگر فلسطین و اسرائیل حمایت گردد، به روی کار آورده شود. در این مقطع، شوراهای کارگری و محلی هر بخش به نیازهای ساکنان منطقه و محل خود رسیدگی کرده و سیاست های انقلابی خود را برای کسب حمایت دولت کارگری مرکزی عرضه کرده و به اجرا درمی آورند.

این تنها راه نجات مردم ستمدیده ی فلسطین و طبقه ی کارگر اسرائیل از چنگال امپریالیزم و نماینده ی محلی اش دولت صهیونیستی اسرائیل است.

سارا قاضی

۲۰ اوت ۲۰۰۵

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری